

بررسی نقش و تأثیر نفوذ معنوی امام خمینی (ره) در عملیات خیبر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۱/۵

نویسنده: دکتر حسین اردستانی^۱

چکیده

در دوران دفاع مقدس، امام خمینی (ره) با ایجاد پیوند میان مذهب، جنگ تحمیلی و نظام سیاسی و قداست بخشیدن به حضور در جبهه‌ها، نقش بی‌بدیلی در سرنوشت ملی و نظام سیاسی ایران ایفا کرد. این نقش در دوران دفاع مقدس برای پیشبرد جنگ و عملیات‌ها بسیار با اهمیت و تعیین‌کننده بود. در عملیات خیبر، راهنمایی و خواسته امام (ره) از فرماندهان و رزمندگان مبنی بر «لزوم حفظ جزایر» و در قبل از عملیات، با ترغیب مردم برای حضور در جبهه نقش معنوی تعیین‌کننده‌ای در موفقیت نسبی این عملیات داشت. در این مقاله تلاش بر این است که این تأثیرگذاری با نگاهی علمی و مستند مورد تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: جنگ ایران و عراق / عملیات خیبر // جزیره مجنون / پایداری / امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) علاوه بر ایفای مسئولیت رهبری دینی و رهبری انقلاب اسلامی، به دلیل برخورداری از کاریزمای معنوی و اینکه الگوی عینیت یافته مکتب اسلام محسوب می‌شد، از تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای بر مردم و نظام سیاسی برخوردار بود. این تأثیر در ارتباط با مسأله جنگ، به طور خاص بر فرماندهان نظامی، رزمندگان، مردم و دولت، آن هم به صورت فراگیر و درونی به چشم می‌خورد و یکی از عوامل اصلی پیشبرد جنگ به حساب می‌آید. علاوه بر این، پیروزی در جنگ زمانی میسر است که پیش از هر چیز جوانب مختلف جنگ تبیین گردد، در غیر این صورت تحمل مصائب گسترده ناشی از جنگ بسی دشوار است و حضرت امام، به بهترین شکل ممکن توانستند این نقش را ایفاء کنند.

تبیین نظری جهاد در راه خدا، هدایت سیاست داخلی و خارجی، سالم‌سازی جو جامعه به نفع جنگ و جبهه، بسیج مردم برای رفتن به میدان‌های نبرد، مقابله با جنگ روانی دشمن و ترسیم معنویت جبهه‌ها و ارائه الگوی معنوی برای رزمندگان، از جمله اقدامات و تأثیرگذاری معنوی و سیاسی - اجتماعی امام در جنگ می‌باشند. همچنین در طول دوران جنگ، امام موفق شد میان مردم و اسلام پل زده و آنها را در یک ارتباط تنگاتنگ در خدمت جبهه‌ها قرار دهد.

با این وصف، در این نوشته به نقش و نفوذ معنوی امام خمینی (ره) در عملیات خیبر می‌پردازیم. عملیاتی که به دلیل محدودیت و موانع پشتیبانی با سختی‌های بسیاری همراه بود. در این مقاله نقش امام خمینی (ره) در دو بخش قبل از عملیات (همواره کردن زمینه‌های عملیات) و حین عملیات (استقامت و حفظ جزائر مجنون) مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) نقش امام خمینی (ره) بیش از آغاز عملیات خیبر

نقش امام خمینی (ره) در قبل از آغاز عملیات خیبر نقش بسیار تأثیرگذاری بود. این تأثیرگذاری را در چندین محور می‌توان مورد بررسی قرار داد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.



۱. تجلیل از شهادت‌طلبی و مجاهدت در راه دین

یکی از محورهای موضوعی که در طول جنگ مورد توجه امام قرار داشت، تأکید بر جهاد و مجاهدت در راه خدا بود. این پدیده که با ظهور انقلاب اسلامی، به عنوان یک هدیه بزرگ الهی بر کشور سایه افکند اصلی‌ترین عامل حفظ نظام و نیز ضامن بقا و استمرار انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت. از این رو مجاهدان و رزمندگان، به کرات مورد توصیف و تکریم امام واقع شدند. این مسئله موجب می‌شد معتقدین به جنگ و دفاع، بیشتر به ارزش عمل خود پی برده و از سوی دیگر، ارزش‌های اجتماعی دیگری که می‌توانست در میان مردم مطرح باشد، در حاشیه قرار می‌گرفت. بهاء دادن امام به شهادت‌طلبی و خداخواهی، میدان را از دنیاطلبی و مادی‌گرایی می‌گرفت و باعث اعتلای روحی و ایمان رزمندگان می‌شد. امام در بخشی از پیام خود به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در این باره اظهار می‌دارد:

«قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام [.....] و پیروزی عظیم در تمام جبهه‌ها که موجب افتخار و سرافرازی جمهوری اسلامی و اولیاء خدا علیهم‌الصلوة والسلام، شدند. با چه بیان و قلم از جوانانی که به عشق خداوند و شوق لقاءالله، در سبقت و دفاع از حق و اسلام عزیز سر از پای نمی‌شناسند و تنها سرمایه بزرگ خود را که جان است فدای هدف مقدسی می‌کنند که انبیاء و اولیاء بزرگ خدا، همچون سید مظلومان و سرور فداکاران نمودند و ندای «هیئات من الذله» آن بزرگ مرد تاریخ را با قول و عمل خود در سراسر کشور بلکه جهان سر می‌دهند، می‌توان تحلیل نمود و با کدام قلم و بیان می‌توان از عزیزانی که سنگرهای جنگ را به محراب مسجد و معراج الی‌الله تبدیل کردند ثنا کرد. گیریم که قلم‌فرسایان هنرمند بتوانند میدان‌های شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق‌العاده آنها را در زیر آتش مسلسل و توپ‌ها و تانک‌ها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشه‌گان بتوانند پیروزی‌های هنرمندانه آنها را در آن شب‌های تار در مقابل موشک‌ها و بمب‌افکن‌های دشمن غدار و عبور از پیچ و خم‌های سیم‌های خاردار و کوه‌های سر به فلک کشیده و بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند، لکن آن بُعد الهی - عرفانی و آن جلوه معنوی ربانی، که جان‌ها را به سوی



خود پرواز می‌دهد، و آن قلب‌های ذوب شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می‌توان ترسیم کرد. راستی این غریبان و شرقیان و غربزدگان و شرقزدگان و ملی‌گرایان، این فداکاری‌ها را با این بُعد معنوی و روح عرفانی و عشق الهی با چه چیزی توجیه و تحلیل می‌کنند؟ اینجا عمل و جسارت مطرح نیست؛ انگیزه و جهت لدی‌الرّبی آن مطرح است، عشق به محبوب حقیقی که همه چیز را محو می‌کند و هر انگیزه‌ای غیر از عشق به او را می‌سوزاند، مطرح است. در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش، در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید جز در طبقه اولیاء الهی و تربیت‌شدگان در مکتب آنان، که فرزندان این دیار به نور آنان استضاله کرده و از خود رسته‌اند. [.....] این مکتب، قرآن و اسلام راستین است و اینان فرزندان این قرآن و اسلام هستند». (صحیفه امام، جلد ۱۸: ۳۳۳-۳۳۲)



۲. کار برای خدا

۳۲

از جمله مهم‌ترین مسائلی که در امر جنگ مورد توجه حضرت امام بود، انجام کار برای خدا و بی‌توجهی به جوانب آن در ارتباط با سازمان‌گرایی و خودگرایی بود. بخصوص موضوع ارتش و سپاه در این رابطه مورد نظر ایشان قرار داشت: امام مکرراً بر اخلاص کار و اجتناب سپاه و ارتش از عنوان نمودن نام خود تأکید داشتند، به گونه‌ای که جز این را یک عمل شیطنی دانسته و مانع تحقق پیروزی در میدان نبرد به شمار می‌آوردند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود که در بهمن ماه سال ۶۲ ایراد شد فرمودند:

«کسانی که در جبهه هستند و در جبهه خدمت می‌کنند، اینها گروه‌های مختلف هستند. ارتش هست، ژاندارمری هست، بسیجی هست، عشایری هست، شهربانی هست، از همه قشر در آنجا خدمت می‌کنند. مردم عادی هم می‌روند خدمت می‌کنند. اینها مواظب باشند که همینجا محل امتحان آنهاست که آیا اینهایی که دارند فعالیت می‌کنند و می‌خواهند کشور خودشان را نجات بدهند و دفاع کنند از کشور خودشان، آیا اینها با هم هماهنگ هستند یا هر که می‌خواهد برای خودش کار بکند؟ آیا برای خدا کار می‌کنند یا برای خودشان؟ اگر ملاحظه کردند که میل دارند که این گروه خودشان قدرت داشته باشند قدرت را در دست بگیرند نه گروه دیگر، بدانند که

سال اول
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱

عمل‌شان شیطانی است، شهادتشان هم اجر ندارد و اگر دیدند که برای خدا دارند کار می‌کنند، برای خدا کار کردن اینجا معلوم می‌شود که آن کسی که سپاهی است، نکشد طرف سپاه همه چیز را و آن کسی که ارتشی است نکشد طرف ارتش همه چیز را. هکذا دیگران همه با هم برای خدا و برای نجات ملت و برای نجات کشور به پیش روند. فرق نکند که این طایفه باشد یا آن طایفه باشد. مقصد عمده است. انبیاء اینطور بودند. اولیاء خدا اینطور بودند. کار برای خدا به دست شما انجام بگیرد گرفته است، به دست من انجام بگیرد گرفته است، در دست دیگری، گرفته است. اگر ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح اینطور فکرشان باشد پیروزند. یعنی هم در جبهه‌ها و هم پیش خدای تبارک و تعالی افتخارمندند» (صحیفه امام، جلد ۱۸: ۳۱۰).

۳. اهمیت مسأله جنگ و فراخوانی مردم به جبهه

مسأله جنگ به عنوان اصلی‌ترین موضوع کشور، همواره مورد نظر امام بود و در شرایط و مناسبت‌های مختلف به آن پرداخته می‌شد. در طول هشت سال دفاع مقدس، همواره امام مترصد این امر خطیر بوده و مانع از غفلت‌زدگی مردم و دست‌اندرکاران نظامی - سیاسی جنگ بودند. این هدف به انحاء گوناگون توسط ایشان مطرح و لزوم حضور در جبهه‌ها یادآوری می‌شد. امام در این خصوص می‌فرماید:

«الان ما در حال جنگیم، ما در حال محاصره اقتصادی هستیم، ما در حالی هستیم که آمریکا علناً دارد مخالفت می‌کند و جنگ‌افروزی دارد می‌کند با ما...» (صحیفه امام، جلد ۱۸: ۳۱۵)

«یک کشوری که الان مبتلای به جنگ است آن هم نه جنگ با یک دولت پوسیده‌ای مثل صدام، جنگ با همه. همه قدرت‌ها دنبال این‌اند که او را دستش را بگیرند و نجات بدهند و نمی‌توانند هم، یک همچو جنگی الان شما جنگ با دنیا دارید، همه تبلیغات برضد شما هستند، همه سلاح‌ها را به او می‌دهند، همه پول‌ها را به او می‌دهند و او را تجهیز می‌کنند و شما خودتانید و خودتان هستید و اتکال به خدا...» (همانجا).

«ما باید توجه بکنیم که سر و کارمان با یک جنگی است که سرنوشت یک ملت را این درست می‌کند و باید هرچه زودتر این را تمام کنیم و این به این است که جوان‌های ما بروند در جبهه‌ها. نشینند، اینطور نباشند که بنشینند که دیگران برایشان



کار کنند. همه‌مان مسئول هستیم.» (همانجا)

«ما امروز ابتلا به این قدرت‌ها داریم و این جنگ را ما باید با پیروزی بزودی تمام کنیم و این به این است که جوان‌های ما بروند دنبال جنگ، جوان‌های ما اینطور نباشند که بگویند تمام شد و رفت سراغ کارش، خیر تمام نشده، آمریکا دنبال کار است، الان آمریکا به میدان آمده.» (همانجا)

امام با تأکید فراوان در مورد حضور در جبهه‌ها، در پیامی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، چنین اظهار می‌دارند:

«از ملت عظیم‌الشان خواهانم که بطور فعال در صحنه حاضر و از کمک به دولت خدمتگزار و جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها دریغ نمایند. مسأله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفایی است و همه ما به حسب امکاناتی که در اختیار داریم لازم است احتیاجات جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را که آن نیز کمک به دفاع است برآورده نمائیم و اینجانب با تشکر از ملت بزرگوار ایران که انقلاب را با حضور و فداکاری‌های بی‌دریغ به ثمر رسانده و به پیش می‌برند، می‌خواهم که به حضور فعال خود ادامه دهند. (صحیفه امام، جلد ۱۸: ۳۳۲).



۳۴

سال اول
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱

۴. تأیید منطقه هور برای عملیات

نقش دیگر امام از بعد معنوی، این بود که فرماندهان نظامی هنگامی که مشاهده می‌کردند تصمیمات، انتخاب مناطق خاص برای عملیات و پیروزی‌های به دست آمده و غیره موجب رضایت ایشان می‌گردد، با نشاط و جدیت بیشتری به پیشبرد مسأله می‌پرداختند.

در جریان تکوین عملیات خیبر، به دلیل اولویت غافلگیری بر مسائل دیگر نقش امام چشمگیرتر بود، زیرا عناصر معدودی در جریان انتخاب هورالعظیم برای عملیات قرار داشتند. از این رو اجازه و تأیید انتخاب آن منطقه از جانب امام در روند ادامه کار حائز اهمیت بود. محسن رضایی در این باره چنین اظهار می‌دارد:

حضرت امام وقتی شنیدند، که ما قصد داریم به کنار دجله برسیم خیلی خوشحال شدند و اولین عکس‌العمل‌شان این بود که: کار خوبی است، کار مهمی است، ولی آیا رزمندگان ما می‌توانند؟ که خدمتشان گفته شد این مشروط به این است که

لجستیک و ترابری را حل کنیم و بتوانیم نیرو برسانیم و اگر نیرو برسانیم، همه جا (زمین منطقه) بکر است، زمین دست نخورده‌ای است که حتی یک سرباز هم در آن وجود ندارد... امام به این دلیل که می‌دید این طرح خیلی مهمی است و بعد از آزادی خرمشهر، اولین طرحی است که می‌تواند یک چشم‌انداز روشن داشته باشد و تأثیر جدی در روند جنگ داشته باشد و یک نفری که بعد از عملیات خیبر که ما با عدم‌الفتح مواجه شدیم، رفته بود خدمت امام و گفته بود ما مقداری شهید دادیم و اینها، امام فرموده بود: «شما متوجه نیستید این چه عملیاتی بوده و این عملیات را الان شما درک نمی‌کنید. عملیات بسیار بزرگی بود و حادثه بسیار بزرگی اتفاق افتاد...»

به همین دلیل امام از همان اول عظمت این عملیات را درک می‌کردند و تأکید داشتند که این مسأله را با جدیت ببرند جلو و دنبال کنند. و قطعاً نظرات امام عامل مهمی بود که ما این کار را پیش ببریم» (آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، مصاحبه اختصاصی با محسن رضایی، ۹/۸/۱۳۷۳).



ب) نقش امام خمینی (ره) در جریان اجرای عملیات خیبر

تأثیر شخصیت دینی و معنوی امام (ره) در جریان عملیات‌های رزمندگان اسلام به دو صورت قابل تحلیل است: یکی به عنوان روح کلی حاکم بر جبهه و تصمیم‌گیرندگان و همچنین قدرت شهادت و جسارت فرد فرد رزمندگان در تحمل سختی‌ها و هجوم به دشمن، علیرغم نامتوازن بودن صحنه نبرد. دوم، در دستوراتی که بطور استثنایی در برخی عملیات‌ها از جانب ایشان صادر شده است. این تأثیر و نفوذ به ویژه در عملیات خیبر وجود داشت. برادر محمدعلی جعفری، فرمانده قرارگاه حُنین در عملیات خیبر و فرمانده سپاه پاسداران در حال حاضر، در این باره چنین اظهار می‌دارد:

«در همه عملیات‌ها، قدرت معنوی که نیروهای ما داشتند و این قدرت، نابرابری‌ها و کاستی‌ها را جبران می‌کرد، عشق به اسلام و امام (ره) بود. بچه‌ها به این عشق که فرمانده اصلی ما امام است و با پیروزی‌های ما ایشان خوشحال می‌شوند، همه این کارها را می‌کردند و طبیعی بود که در شرایط سخت جنگ، کلام امام و حرف امام قطعاً اثرات روح‌بخشی به بچه‌ها می‌داد... و در عملیات‌های سخت و عملیات خیبر، نفوذ کلام امام بسیار تأثیرگذار بود و بچه‌ها آن را کاملاً لمس می‌کردند.» (آرشیو مرکز

اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، مصاحبه اختصاصی نگارنده، ۱۳۷۳/۷/۲۷)

در میان عملیات‌های انجام شده در طول جنگ، می‌توان گفت، عملیات خیبر از لحاظ سختی‌ها و مشکلات، یک نبرد استثنایی بود. همچنین، تأثیر دستورات امام که قبل از هر چیز برای رزمندگان جنبه الهی و دینی داشت، در عملیات خیبر اثر به سزایی در سرنوشت عملیات بجای گذارد. برای درک این تأثیر، ترسیم حال و هوای عملیات و شرح اجمالی آن ضروری است. از این رو به صورت کلی روند عملیات از آغاز تا تثبیت جزائر مجنون توأم با دستورات و پی‌گیری‌های حضرت امام آورده می‌شود.

عملیات خیبر

مهم‌ترین عملیات انجام شده پس از عملیات رمضان، عملیات خیبر بود که در منطقه جبهه‌های جنوب و در استان خوزستان و در شرق و شمال بصره، طرح‌ریزی و اجرا شد. هدف اصلی این عملیات، تصرف و تأمین جاده بصره - عماره در محدوده روستاهای القرنه تا العزیر به منظور قطع ارتباط سپاه‌های سوم و چهارم ارتش بعثی عراق و استقرار در ساحل شرقی رودخانه دجله و همچنین باز کردن جبهه‌ای در شمال استان بصره عراق بود. از سوی دیگر تصرف دو جزیره نفتی مجنون شمالی و مجنون جنوبی و نیز تسلط کامل بر آبگرفتگی وسیع هورالهویزه، از اهداف دیگر این عملیات، محسوب می‌گردید. این عملیات در روز سوم اسفند ماه سال ۱۳۶۲ با رمز یا رسول‌الله (ص) آغاز شد. عملیات خیبر به کلی متفاوت از عملیات‌های قبل از خود بود. هم فضای درگیری و هم سازمان یگان‌های درگیر در عملیات و هم طرح‌ریزی عملیات و هم شیوه‌های جنگی بکار رفته در آن، ابتکار جدیدی برای رزمندگان اسلام به حساب می‌آمد (علایی، ۱۳۹۰: ۵۱). برای انجام این عملیات، یگان‌های سپاه ظرف ۲ ماه خود را از واحدهای پیاده به یگان‌های آبی خاکی تبدیل کردند و هر کدام ۵۰ تا ۱۰۰ قایق در اختیار گرفتند و آموزش‌های سکانی و حرکت در آب‌های هور را به نیروهای خود آموزش دادند. (رشید، ۱۳۸۸: ۱۳۴)

با غافلگیری کامل عراق، عملیات رزمندگان اسلام در شرایطی آغاز شد که در داخل هورالهویزه تا جاده استراتژیک بصره - العماره - بغداد، کمترین نیروی نظامی دشمن حضور داشت، از این رو یگان‌های سپاه توانستند با عبور از یک فاصله طولانی در داخل مرداب هورالهویزه خود را به محورهای العزیر، القرنه، شرق دجله



۳۶

سال اول
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱

و جزایر مجنون برسانند. این وضع طی دو روز اول عملیات مشهود بود. از روز سوم، اگرچه هنوز دشمن خود را پیدا نکرده بود اما سراسیمه در صدد ورود به منطقه بود و به این خاطر تا حدودی فشار دشمن احساس می‌شد. از روز چهارم عملیات، حضور دشمن و تلاش او جدی‌تر شد. این حضور قبل از هر جا و ابتدا در محور العزیر در مقابل قرارگاه نصر و سپس محور القرنه در برابر قرارگاه حدید محسوس بود. عراقی‌ها، همچنین با تمرکز قابل ملاحظه در محور طلائیه به مقابله با قرارگاه فتح سپاه برخاستند. آنها به خوبی پی برده بودند که با توجه به اهمیت جاده خاکی برای استمرار عملیات نیروهای ایرانی، نایبستی اجازه دهند محور طلائیه سقوط کند. به هر صورت، اولین فشار سازمان‌یافته خود را در محور العزیر بر روی قرارگاه نصر وارد کردند و ظرف ۲ روز، به حملات متعددی دست زدند، حمله عراقی‌ها در این محور روز به روز حجم و شدت بیشتری پیدا کرد. این حملات در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۸ به اوج رسید و سرانجام موفق شدند قرارگاه نصر را وادار به عقب‌نشینی به جزیره مجنون شمالی نمایند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۲/۹)

بعد از پس گرفتن محور العزیر، مواضع تصرف شده در شرق دجله و مواضع قرارگاه حدید در محور القرنه در معرض تهدید و تزلزل قرار گرفتند. بدیهی بود که با از دست رفتن جناح راست این محور و عدم وجود عقبه مناسب، ماندن در مواضع به دست آمده امکان‌پذیر نبود. ضمن آنکه عراق نیز با آتش هلی‌کوپترهای جنگی و نیروی پیاده فشار می‌آورد. از این رو مطابق دستور فرماندهی، یگان‌های قرارگاه حدید مانند قرارگاه نصر به داخل جزایر مجنون عقب‌نشینی کردند. علاوه بر این، تنی چند از فرماندهان و کادرهای سپاه مجروح و شهید شدند. از جمله می‌توان از شهادت حمید باکری معاون لشکر ۳۱ عاشورا، یاغچیان معاون دوم این لشکر، قطع انگشت فرمانده لشکر ۸ نجف، شهادت سه تن از پزشکان سپاه و مجروح شدن فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم و شهادت حسن درویش فرمانده تیپ ۱۵ امام حسن (ع) نام برد. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۲/۱۵)

شرایط موجود بسیار سخت بود. در حالی که امید زیادی به پیروزی در این عملیات وجود داشت، تمام دستاوردها در حال سقوط بود. برادر محسن رضایی فرمانده سپاه به یکی از روحانیون حاضر در قرارگاه گفت: «در طول جنگ، ما اینجور ذوب نشدیم» (اردستانی، ۱۳۶۲: ۱۰۴)



برای خارج شدن از این وضعیت حاد، فرماندهان سپاه تصمیم گرفتند مجدداً تمام توان خود را برای باز کردن محور طلائیة متمرکز نمایند. این در حالی بود که تلاش‌های قبلی در این محور ناکام مانده بود. از طرف دیگر اوضاع نابسامان جبهه موجب نگرانی شده بود و حفظ جزایر نیز در هاله‌ای از ابهام و تردید قرار داشت. گفتگوی برادر رحیم صفوی با فرمانده سپاه در این زمینه مبین این ابهام است.

« رحیم صفوی: جزایر را چکار بکنیم؟

محسن رضایی: باید به هر قیمتی شده آنها را حفظ کرد.

رحیم صفوی: نمی‌شود حفظ کرد. بمب شیمیایی می‌ریزند، امکان حفظ آن وجود ندارد. عدم امکان حفظ جزایر را به آقای هاشمی (رفسنجانی) بگوئیم؟

محسن رضایی: نه، ما می‌توانیم جزایر را نگه داریم.» (همان: ۱۰۷)

در تاریخ ۶۲/۱۲/۸ پس از آنکه اخبار اوضاع جبهه‌ها به تهران منتقل شد، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی که قبل از این عملیات، توسط امام به فرماندهی جنگ منصوب شده بود، به منطقه عازم شد و به سرعت خود را به سنگر فرماندهی سپاه رساند. وی به محسن رضایی اظهار داشت:

« ما... اعلام کردیم، هر کس (یگان) هر چه در چنته دارد بیاورد میدان.

محسن رضایی: ما گفتیم تا حد فرمانده لشکر باید بجنگند. حتی اگر سازمان رزم سپاه مختل شود.» (همانجا)

پس از نشست فرماندهان با آقای هاشمی، مشخص شد راه نجات جبهه و رفع بن‌بست کنونی، حمله مجدد از محور طلائیة است تا بلکه با باز شدن راه زمینی، تنگنای عملیات نیز گشوده شود. در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۰ حمله مورد نظر از طلائیة آغاز شد. اما مشکل آب، مانع بزرگی است. حدود ساعت ۱ بامداد دو تن از مسئولان و فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول به قرارگاه آمده و وضع زمین را که بر اثر انداختن آب توسط دشمن، باتلاقی شده و عبور از آن مشکل شده بود، به آقای هاشمی گزارش دادند. ایشان در پاسخ آنها با عصبانیت اظهار داشت:

« این امر امام است که شما در هر شرایطی باید بروید جلو، اگر ما نتوانیم این ۷-۸ کیلومتر را برویم جلو، دیگر نمی‌توانیم بجنگیم. الان صدام آن تبلیغات را بپا کرده، صد هزار (نفر) نیرو پشت سر ما معطل مانده و آبروی جمهوری اسلامی در خطر است. بروید هر طور که می‌توانید خودتان را به دشمن برسانید و فکر تلفات و... را نکنید.»

برادر شهید دستواره در مقابل این اظهارات گفت:

«چشم، می‌رویم که یا شهید شویم و یا اینگونه نزد شما برنگردیم.» (همان: ۱۶۲)
آقای هاشمی، در بیان دیگری که در جمع فرماندهان ایراد شد، اظهار داشت:
«من خدمت امام هم عرض کردم و ایشان هم تأیید کردند که طوری برنامه‌ریزی کنید که جنگ را همین جا تمام کنیم. چون این امر دیگر برای کشور قابل تحمل نیست.» (همان: ۱۶۳)

علیرغم تلاش زایدالوصف یگان‌های سپاه، به دلیل مقاومت و سماجت فوق‌العاده دشمن، حمله به طلائیه باز هم ناکام ماند. عراقی‌ها که در آغاز حمله مجبور شدند برخی مواضع را ترک کنند و به عقب بروند، با فرا رسیدن روز، پاتک‌های پیاپی خود را آغاز کردند و سرانجام مانع از پیشروی لشکر ۱۴ اما حسین (ع) و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) شدند. در جریان حملات دشمن برادر حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) به شدت مجروح شد و دست راستش قطع گردید و در حالی که بدنش پر از ترکش بود، او را از میدان خارج کردند. (همان: ۱۵۹)

تأکید امام بر مقاومت و حفظ جزایر

عدم‌الفتح محور طلائیه وضعیت جدیدی را به وجود آورد. از این پس، جبهه خودی می‌بایست قابلیت و توانایی خود را در حفظ جزایر نشان می‌داد و از حیثیت جمهوری اسلامی دفاع می‌کرد. کاری که بغایت دشوار می‌نمود و این در حالی بود که باور عمومی حاکم بر جبهه آن بود که حفظ جزایر یا عملی نیست و یا بسیار دشوار است و باید بهای زیادی برای آن پرداخت. عراق پس از آنکه توانست رزمندگان اسلام را از محورهای العزیر، القرنه و طلائیه به عقب‌نشینی وادار کند بیرون راندن نیروهای مستقر در جزایر را نیز محتمل می‌دانست، به ویژه آنکه از لحاظ عقبه، آتش، دفاع ضد هوایی، زرهی و ضد زره و چندین عامل دیگر، بر نیروهای خودی برتری داشت.
به هر صورت، از توقف محور طلائیه تا شروع حمله به جزایر، حدود پنج روز جبهه‌ها حالت عادی داشت و تلاش متمرکزی از جانب دشمن وجود نداشت. در اولین روزهای این رکود، در بعد از ظهر مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۴ از طرف بیت امام به قرارگاه اطلاع داد که فرمانده سپاه عازم تهران شود، همچنین گفته شد امام (ره) فرموده‌اند: «جزایر حتماً باید نگه داشته شوند، هر طور که شده» (همان: ۲۰۵)



این دستور، تحولی اساسی در سرنوشت عملیات ایجاد کرد و سپاه این بار هر چه را داشت وارد صحنه کرد. این توان، فقط فرماندهان و تتمه سازمان یگان‌ها بودند. زیرا سپاه همه چیز را وارد کارزار کرده بود. اما از لحاظ روحیه و استقامت، توان سپاه دو چندان شد و همه، حفظ هدف تعیین شده توسط امام را به بهای خون و جان خود در دستورکار قرار دادند. فرمانده سپاه اظهار داشت: «از جزیره بیرون نمی‌رویم حتی اگر سازمان سپاه از بین برود.» (همان: ۲۱۱)

علی شمخانی قائم مقام فرمانده کل سپاه به فرماندهان لشکرهای عاشورا و حضرت رسول (ص) اظهار داشت: «بروید جزایر را حفظ کنید این دستور است و من خودم می‌آیم آر.پی.جی می‌زنم. به هر حال احتمال پاتک به جزایر زیاد است. علاوه بر این، برادران محمدباقری، غلامعلی رشید و حسن دانایی نیز به جزیره رفتند، مرخصی بسیجی‌ها لغو شد و بطورکلی تمام فرماندهان سپاه به جز محسن رضایی و در برخی مواقع شمخانی، به داخل جزیره رفتند تا با همفکری، راه‌های حفظ جزایر را مشخص کنند.

مطابق پیش‌بینی امام (ره) و فرماندهان، پس از چند روز رکود، در مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۶ عراق پاتک به جزیره جنوبی را به وسیله اجرای آتش سنگین، بمباران وسیع هوایی، هلی‌کوپتر، تانک و نیروهای پیاده، آغاز کرد. بیت امام که مرتب اوضاع جبهه را دنبال می‌کرد، با اطلاع از شروع پاتک عراق به جزایر، با قرارگاه تماس گرفته و حجت‌الاسلام حاج احمدآقا خمینی از فرمانده سپاه وضعیت را جویا شد. محسن رضایی در پاسخ گفت: «از لحاظ مهمات خیلی در مضیقه هستیم. الحمدلله وضع خوب است ولی عراق با تمام قوا حمله می‌کند» (همان: ۲۱۹) حمله عراق در این روز بدون نتیجه پایان یافت. ارتش عراق روز ۶۲/۱۲/۱۷ از صبح زود مجدداً حمله را آغاز کرد. این بار شدت حمله دشمن و کاربرد ابزار و انواع تسلیحات، وسیع‌تر و شدیدتر بود. در مقابل، جبهه خودی در وضعیت مناسبی قرار نداشت، در این میان مهم‌ترین مسأله کمبود نیرو و مهمات بود. در حالی که به شدت به مهمات نیاز بود، سرهنگ موسوی قوبدل یکی از فرماندهان ارتش اعلام کرد کلاً ۱۳۰۰ عدد گلوله ۱۳۰ م.م داریم. (همان: ۲۳۹) همچنین برادر غلامعلی رشید از داخل جزیره پیام داد اگر نیروهای حاج همت و لشکر حضرت رسول (ص) نرسند، احتمال سقوط خط این لشکر زیاد است. عراقی‌ها از جنگ روانی نیز استفاده کرده و اعلام کردند: اگر جزایر را خالی

نکنید، آنجا را به موشک می‌بندیم و به شدت بمباران خواهیم کرد. (همان: ۲۳۱) در این روز دفتر امام بطور مستمر در تماس با قرارگاه، تحولات جنگ را پی‌گیری می‌کرد. روز ۱۸/۱۲/۱۳۶۲ دوباره عراق حمله خود را با شدت هر چه تمام‌تر آغاز کرد و سپاه و بسیج با آنچه در دست داشتند، پایداری و استقامت کرده و از پیشروی دشمن ممانعت کردند. شرایط و مقدمات بسیار سخت و محدود بود. ضمن آنکه دشمن به استفاده از سلاح شیمیایی نیز متوسل شد. برادر غلامعلی رشید از جزیره به قرارگاه آمد و در مورد آنجا گفت:

«وضع خط خراب است، در محور تیپ سیدالشهداء دشمن رخنه کرده و هر شب دارد پیش می‌آید. (عراق) دائم نیرو می‌آورد و ول نمی‌کند، نیروهای (ما) در خط خسته شده‌اند. آتش (دشمن) به شدت زیاد است. جاده، آب، غذا و نیرو کم است. پلیت و الوار برای ساختن سنگر، نیست و لودر و بولدزر برای احداث خاکریز وجود ندارد و بچه‌ها در خط، آر.پی.جی و کلاش دارند و نمی‌توانند از ادوات استفاده می‌کنند. از شدت حمله دشمن، بچه‌ها کم‌کم به این نتیجه رسیده بودند که این جزیره طلسم شده، چراکه هر اقدامی را انجام می‌دادند به نتیجه نمی‌رسید.» (صحیفه امام، جلد ۱۸: ۳۱۵) در همین اوضاع، آقای انصاری از بیت امام در تماس با قرارگاه، وضعیت را جویا شد. حجت‌الاسلام محلاتی، نماینده امام در سپاه، به ایشان گفت: «به امام بگوئید شب حمله است، دعا بفرمایند.» (همان: ۲۴۶)

روز ۱۹/۱۲/۱۳۶۲ عراق باز هم حملات خود را از سر گرفت. اما این بار نیز رزمندگان اسلام با نثار خون خود، ماشین جنگی ارتش بعث را متوقف کردند. در این سه روز، اوج حماسه و استقامت و شهادت‌طلبی سپاهیان و بسیجیان به نمایش گذاشته شد و جزیره به سمبل پایداری و استقامت تبدیل شد. آقای هاشمی رفسنجانی در این زمینه اظهار داشت:

«این جزیره به سمبل قدرت ما و ضعف عراق تبدیل شده، مقاومت شما در دنیا خیلی معنا دارد و باید حفظ شود جزیره‌ها مهم است، این عقیده من است نه سیاست. در جلسه‌ای که خدمت امام داشتیم و بحث کردیم، به این نتیجه رسیدیم که نمی‌توانیم جنگ را راکد کنیم. ما دوباره نمی‌توانیم این نیروها را جمع کنیم. (برای ادامه عملیات) اولویت به اینجا داده شده است ولی خوب طرح‌های دیگری را هم بررسی می‌کنیم. مثل فاو، اولویت به اینجا داده شده است.»



ایشان در مورد نتایج این عملیات اظهار داشت:

«در صدام شکست پیدا شده، مثلاً عربستان و ترکیه به ما پیشنهاد اسلحه کردند اینها نشانه تزلزل عراق است.» (همان: ۲۶۹)

در نهایت، حمله ۷۲ ساعته عراق با شکست مواجه شد. این ناکامی موجب توقف حملات دشمن گردید و بالاخره در پی فرمان امام (ره)، جزایر حفظ گردید. در واقع تلاش فرماندهان و استقامت و بخون غلطیدن بسیجیان به میزان قابل ملاحظه‌ای از نفوذ معنوی و شخصیت والای امام (ره) متأثر بود. شواهد زیادی گواه این برداشت است. برادر زاهدی، جانشین لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، در این زمینه پس از عملیات می‌گوید: «در اوایل عملیات که جزیره تصرف شد، یک گروهان از لشکر در خط بود که به علت کمبود نیرو، هر طرف که فشار دشمن زیاد می‌شد این گروهان به آن سمت می‌رفت و دفاع می‌کرد. یکی از بسیجی‌ها که ۱۵ سال داشت بعد از آنکه زخمی شد، هنگامی که قصد داشتند او را برای مداوا به عقب منتقل کنند می‌گفت: بر نمی‌گردم و نباید دل امام (خمینی) بشکند.» (اردستانی، دفترچه شماره ۲ قرارگاه نجف (خاتم ۱): ۲۵)

این سخنان، نشان‌دهنده عمق تأثیر معنوی حضرت امام در جنگ و عملیات خیبر می‌باشد. علاوه بر این، همانگونه که بیان شد، دستور امام مبنی بر لزوم حفظ جزایر، یکی از عوامل اساسی و شاید عامل منحصر بفرد در حفظ جزایر بود. محسن رضایی درباره تأثیر این دستور می‌گوید:

«امام فرمودند جزایر باید حفظ شود. برای فرماندهان ما مسلم بود که وقتی امام چیزی را می‌گوید، دیگر قطعی است و باید پیاده شود. در عمق وجود برادران ما این کلام نفوذ می‌کرد. حالا زمینه‌های این مسأله (پذیرش دیدگاه امام) چیست؟ خیلی مسأله عمیقی است. از تأثیرات عرفانی کلام امام شروع می‌شود تا اعتماد صد در صد ما به بینش و تشخیص امام در مباحث سیاسی و نظامی. اینطور نبود که دیدگاه‌های صرف عرفانی روی برادران ما اثر کند، بلکه در کنار آن دیدگاه‌های عرفانی، همه برادران ما به تشخیص امام مطمئن بودند می‌دانستند که اگر امام فرمود اینجا باید حفظ شود یک چیز خیلی مهمی را از نظر سیاسی - نظامی و از نظر مسائل فنی و علمی می‌فهمد که آنها اطلاع ندارند. اعتقاد کامل به تشخیص امام، در عملیات خیبر یکبار در فرماندهان ما بروز کرد و عده‌ای از برادران ما که دچار تردید شده بودند، زود و به سرعت خودشان را با این روحیه جدید تطبیق دادند و مصمم شدند که جزایر را حفظ کنند.» (اردستانی، مصاحبه اختصاصی، ۱۳۳۳)

نتیجه‌گیری

نفوذ معنوی امام خمینی(ره) در میان رزمندگان و فرماندهان باعث ایجاد رابطه مریدی- مرادی میان آنها شد و در طول دوران دفاع مقدس و در عملیات‌های مختلف نشانه‌های این رابطه صورت عینی پیدا کرد. در جریان تجاوز عراق به ایران، ممانعت از سقوط آبادان، آزادسازی و شکستن محاصره آبادان، عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس و نیز عملیات خیبر و تا پایان جنگ این نقش و تأثیرگذاری عمیق بر تصمیم‌گیری‌ها و مقاومت‌ها از ناحیه دستورات و یا پیام‌های امام، در جبهه‌ها نمایان است. علاوه بر این، عبارات، «ای کاش من یک پاسدار بودم»، «من در مقابل بسیجیان احساس حقارت می‌کنم»، «خدا خرمشهر را آزاد کرد» و مانند آن، عشق و علاقه به امام خمینی را در جان رزمندگان و فرماندهان نهادینه کرده بود و آنها حاضر بودند برای هر اشاره یا دستور امام، جسم و جان خود را در میداین نبرد باقی گذاشته و با شهادت به سوی خدا روانه شوند. در عملیات خیبر، دستور امام خمینی مبنی بر «جزایر حتماً باید نگه داشته شود، هر طور که شده» سبب شد سخت‌ترین حملات عراق دفع گردد و فرماندهان عراقی در مقابل مقاومت بی‌محابای نیروهای ایرانی، از اجرای دستور ادامه جنگ سرپیچی کرده و پس از ۷۲ ساعت نبرد سنگین و تن به تن، واگذاری جزایر مجنون را بپذیرند و عملیات خیبر به عنوان یک ابتکار عمل خارق‌العاده در تاریخ جنگ ثبت شود.



منابع

- امام خمینی (۱۳۸۵)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها) (نمایه‌ها)، ۲۲ جلد، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- اردستانی حسین، (۱۳۶۲) شرح عملیات خیبر، دفترچه شماره ۱ راوی، قرارگاه نجف (خاتم ۱)، آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- اردستانی حسین، (۱۳۶۲) شرح عملیات خیبر، دفترچه شماره ۲ راوی، قرارگاه نجف (خاتم ۱)، آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- اردستانی حسین، (۱۳۷۳) مصاحبه اختصاصی نویسنده با سردار عزیز جعفری در تاریخ ۱۳۷۳/۷/۲۷، آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- اردستانی حسین، (۱۳۷۳) مصاحبه اختصاصی نویسنده با محسن رضایی در تاریخ ۱۳۷۳/۸/۹، آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- علایی حسین، (۱۳۸۹) جایگاه عملیات خیبر در جنگ تحمیلی، قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.khabaronline.ir/print/200645/weblog/alaei-hosein>
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۲/۹.
- غلامعلی رشید، (۱۳۸۸) اظهارات سردار رشید در بهداروند محمد مهدی، ما و جنگ، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس.



۴۴

سال اول
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱